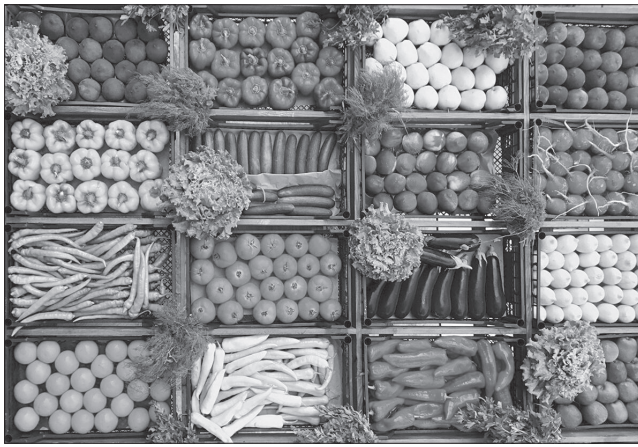




رییس اتاق بازرگانی ایران:

## کشاورزی از تعهدات ارزی معاف شود

پول و ارز رایگان نیست و مطالبه فعالان این بخش ورود و توسعه ماشین‌آلات است که انتظار می‌رود برای رفع موانع این بخش اقدامات اثربخش انجام شود. رییس اتاق بازرگانی، صنایع و معادن و کشاورزی ایران تاکید کرد: اگر قرار است در شرایط سخت اقتصادی فعلی از صادرکنندگان و تولیدکنندگان تجلیل شود باید از تک‌تک فعالان این بخش قدردانی کنیم که در شرایط سخت و طاقت‌فرسا برای رونق اقتصاد کشور گام برمی‌دارند. حسن‌زاده متذکر شد: اتاق بازرگانی، صنایع و معادن و کشاورزی ایران جلسات منظمی با مسوولان برای حل چالش‌های تجارت و فعالان اقتصادی دارد و در بخش تعهدات ارزی نیز تاکنون رایزنی‌های مختلفی انجام شده است.



موجود و بهبود وضعیت فعالان اقتصادی است. وی خواستار حمایت منطقی از واحدهای تولیدی شد و افزود: حمایت از واحدهای تولیدی توزیع

رییس اتاق بازرگانی، صنایع و معادن و کشاورزی ایران خواستار معافیت بخش کشاورزی از تعهدات و بازگشت ارزی شد و گفت: این اقدام به توسعه بیشتر صادرات محصولات کشاورزی کمک می‌کند و افزون بر تامین منافع و ثروت بیشتر، مشکلات تعهدات ارزی برای واحدهای تولیدی را از پیش پای تولیدکنندگان بر می‌دارد. به گزارش روابط عمومی، صمد حسن‌زاده در آیین افتتاح ساختمان اتاق بازرگانی گرگان و تجلیل از صادرکنندگان برگزیده گلستان اظهار کرد: مشکلات بخش تولید و تجارت و چالش‌های صادرکنندگان امروز یا دیروز خلق نشده بلکه از سال‌ها پیش در حوزه اقتصاد وجود داشته که اراده دولت چهاردهم حل مشکلات

### ادامه تیر اول

## نگرانی برای خلیج گرگان

هرچند که این اقدام به افزایش مساحت پهنه آبی خلیج گرگان کمک کرد اما مشکلاتی نیز وجود داشت. یکی از مشکلات اصلی، شوری بالای آب دریای خزر است که باعث افزایش شوری آب خلیج می‌شود و تأثیر منفی بر کیفیت زیست‌محیطی خلیج می‌گذارد. علاوه بر این، رسوبات و آلودگی‌های موجود در کانال نیز ممکن است تأثیر منفی بر کیفیت آب داشته باشند. به همین دلیل، تنها لایروبی کانال کافی نبوده و نیاز به اجرایی طرح‌های تکمیلی مانند پمپاژ آب و مدیریت منابع آبی به منظور بهبود کیفیت و احیای کامل خلیج گرگان احساس می‌شود. پمپاژ آب از دریای خزر به خلیج گرگان می‌تواند به نجات خلیج از خشکی کمک کند. با وارد شدن آب تازه، سطح آب در خلیج افزایش می‌یابد و از خشک شدن آن جلوگیری می‌شود. این اقدام می‌تواند به احیای زیستگاه‌های طبیعی و بهبود کیفیت آب کمک کند. با این حال، موفقیت کامل این طرح نیازمند اجرای دقیق و مداوم است و ممکن است نیاز به اقدامات تکمیلی مانند مدیریت منابع آبی و کنترل آلودگی‌ها باشد. بنابراین، در حالی که پمپاژ آب می‌تواند تأثیر مثبت داشته باشد، نیاز به یک رویکرد جامع‌تر برای حفظ و بهبود وضعیت خلیج گرگان احساس می‌شود.

## تعاونی‌های کشاورزی ۲ هزار و ۹۰۰ میلیارد ریال وام گرفتند

کرد ولی تاکنون ۸۰ درصد از میوه شب‌عید برنامه‌ریزی شده برای عرضه در بازار استان ذخیره شده و بقیه نیاز هم در مرحله انتقال به انبارهای استان است. جامی در خصوص تنظیم بازار سیب زمینی در استان، گفت: امسال برای حمایت از سیب‌زمینی‌کاران استان، هفت هزار و ۸۰۰ تن از این محصول در زمان برداشت با قیمت توافقی خریداری شد که بخشی از آن بلافاصله وارد بازار داخل شد و بخش دیگر صادر گردید. وی تاکید کرد: سیب زمینی گلستان ظرفیت نگهداری طولانی مدت را ندارد و در بیشترین زمان قابلیت ماندگاری تا سه ماه را دارد. مدیر تعاون روستایی گلستان از تشکیل تعاونی سیب‌زمینی‌کاران در استان خبر داد و گفت: تشکیل این تعاونی در مرحله پذیره نویسی است. وی یادآور شد: حضور رئیس سازمان تعاون روستایی کشور در گرگان در مهر امسال سبب شد هزار میلیارد ریال در حمایت از سیب زمینی‌کاران استان گلستان دریافت شود و برای پایداری این زراعت و حل دغدغه این قشر تولید کنند در منطقه سرمایه‌گذاری لازم صورت گیرد.



مقدار ۱۳۵ تن ویژه ماه رمضان در استان توسط مدیریت انجام شده است. جامی افزود: نقدینگی تامین سایر اقلام ویژه ماه رمضان از جمله شکر، گوشت مرغ، گوشت قرمز و برنج انجام شده و با دریافت سهمیه توزیع در بازار استان با قیمت مناسب این اقلام توزیع خواهد شد. وی در خصوص میوه شب‌عید نیز خاطرنشان کرد: به دلیل کنترل بازار نمی‌توان مقدار تامین شده را اعلام

مدیر تعاون روستایی گلستان گفت: امسال ۲ هزار و ۹۰۰ میلیارد ریال منابع بانکی با نرخ ۱۳ درصد برای رشد و بالندگی تعاونی‌های کشاورزی زیرمجموعه این مدیریت در توسعه کشاورزی و ایجاد ارزش افزوده در استان تزریق شد. به گزارش روابط عمومی، محمدرضا جامی اظهار کرد: این منابع از محل منابع ملی جذب شده است. وی ادامه داد: گلستان ۳۸۱ شرکت تعاونی با ۱۲۸ هزار و ۸۷۱ عضو با پوشش ۱۳۱ هزار هکتار، ۱۸۰ فروشگاه عرضه مواد سوختی، ۳۱ تعاونی تولید با پوشش ۴۱ هزار هکتار، ۶ واحد فرآوری، ۲۱۱ هزار تن ظرفیت انبار تحت مدیریت تعاون روستایی گلستان با گستره هزار روستا دارد. جامی از سه برابر شدن خرید تضمینی و توافقی محصولات کشاورزی در سال جاری برای حمایت از کشاورزان استان خبر داد و گفت: خرید تضمینی ۲۵۰ هزار تن گندم خوراکی، ۱۷ هزار تن گندم بذری، هفت هزار و ۸۰۰ تن سیب زمینی، ۱۲ هزار و ۷۱۶ تن سویا، ۳۶ هزار تن جو و ۴۰ تن گل زعفران از جمله این محصولات است. مدیر تعاون روستایی گلستان ادامه داد: تامین خرما به



خبر

### آمایش سرزمین برای توسعه انرژی خورشیدی آغاز شد

استاندار گلستان با تاکید بر اینکه قطعی برق شهرک‌های صنعتی، سیاست دولت چهاردهم و رییس جمهور نیست، گفت: آمایش سرزمین برای توسعه انرژی خورشیدی در استان آغاز شد. به گزارش روابط عمومی، علی‌اصغر طهماسبی اظهار کرد: در حالی که میزان مصرف برق گلستان ۵۸۰ مگاوات است ۵۳۰ مگاوات آن صرف مصارف خانگی می‌شود و فقط ۵۰ مگاوات برق مصرفی ویژه بخش صنعت است که این آمار فاجعه است. وی ابراز امیدواری کرد با توسعه انرژی خورشیدی در گلستان مشکل ناترازی انرژی سال آینده در استان حل شود و چالش‌های تولیدکنندگان در قطعی‌های انرژی کاهش یابد. استاندار گلستان با بیان اینکه اولویت اول کشور اقتصاد است، افزود: اگر اقتصاد کشور پویا شود و از ظرفیت تجار بازرگانان، تولیدکنندگان و صنعتگران به درستی استفاده شود مشکلات اقتصادی حل شده و آسیب‌های اجتماعی کاهش می‌یابد. طهماسبی افزود: دغدغه اساسی مردم و جوانان اشتغال، بیکاری فقر و کوچک شدن سفره‌ها است که همه مدیران باید برای حل مشکلات تولیدکنندگان و رونق اقتصادی پرتلاش وارد میدان شوند. وی با بیان اینکه باید به حال برخی مدیران که پای درددل تولیدکنندگان نمی‌نشینند تأسف خورد، تصریح کرد: با همه محدودیت‌های موجود، اگر مدیران پای کار باشند و با حوصله و همتی تجار بازرگانان و تولیدکنندگان حوصله به خرج دهند مشکلات حل خواهد شد.

«آگهی ثبتی»

### آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رأی شماره ۱۴۰۳/۳۱۲۰/۱۲۰۵۳۹ مورخ ۱۴۰۳/۱۱/۰۴ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کلاسه تصرفات مالکانه بلامعارض مناقضی آقای / خانم عباس مرگنی زاده فرزندی رجب به شناسنامه شماره ۹ کدملی ۴۸۹۸۲۱۰۲۱ صادره شهرستان مینودشت در شش‌دانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۹۹۹،۲۰ مترمربع مفروز و مجزا شده از پلاک ثبتی ۵۷۴۲ فرعی از ۲۱۱۳-اصلی واقع در بخش ۹ شهرستان کلاسه خریداری بلاواسطه از مالک رسمی آقای / خانم سمیه زمزمی محرز گردیده است، لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت مناقضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت افضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. تاریخ انتشار نوبت اول: چهارشنبه ۱۴۰۳/۱۱/۱۷ تاریخ انتشار نوبت دوم: شنبه ۱۴۰۳/۱۲/۰۴ بهمن سالری - رئیس ثبت اسناد و املاک کلاسه م الف ۱۲۹۵۱

### آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رأی شماره ۱۴۰۳/۳۱۲۰/۱۲۰۵۳۹ مورخ ۱۴۰۳/۱۱/۰۴ هیات اول/دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کلاسه تصرفات مالکانه بلامعارض مناقضی آقای / خانم علی قلی زاده فرزندی عبدالله به شناسنامه شماره ۴۸۶۰۰۲۱۲۸۲ صادره از در شش‌دانگ عرصه و اعیان یک قطعه زمین مسکونی با بنای احداثی به مساحت ۲۰۰ مترمربع مفروز و مجزا شده از پلاک ۲۲ فرعی از ۲۱۱۳-اصلی واقع در بخش ۹ حوزه ثبتی شهرستان کلاسه ، انتقال ملک مع الواسطه از مالک رسمی (فریان ادی زاده) محرز گردیده است، لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت مناقضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت افضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. تاریخ انتشار نوبت اول: چهارشنبه ۱۴۰۳/۱۱/۱۷ تاریخ انتشار نوبت دوم: شنبه ۱۴۰۳/۱۲/۰۴ بهمن سالری - رئیس ثبت اسناد و املاک کلاسه م الف ۱۲۹۵۳

## رهایی آگاهانه

ترک اعتیاد در کمتر از ده روز

■ بدون درد، خماری و بستری

■ با روش هربال تراپی

زیر نظر پژوهشکده ی گیاهان دارویی کشور

و جیهه ابراهیمی نژاد

@queen\_health59

۰۹۱۱۹۷۶۱۱۴۶



## شاهنامه بخوانیم

آزاده حسینی

هفته گذشته این ستون را با شعرهای شیمبورسکا شروع کردیم. ولی این هفته به دلیل همزمانی با ویژه نامه جشن سده، بخش هایی از داستان هوشنگ در شاهنامه فردوسی را می خوانیم. شما می توانید این بیت ها را بر اساس خوانشی که در گروه فضای مجازی گلشن مهر برایتان فرستاده ام تمرین کرده و بخوانید و فیلم اجرای خود را در تلگرام به شماره دبیر صفحه بفرستید.

### \*گفتار اندر نهادن جشن سده

یکی روز شاه جهان سوی کوه گذر کرد با چند کس همگروه پدید آمد از دور چیزی دراز سیه رنگ و تیره تن و تیزگاز



دوچشم از بر سر چو دو چشمه خون ز دود دهانش جهان تیره گون ننگه کرد هوشنگ باهوش و سنگ گرفتش یکی سنگ و شد تیزچنگ به زور کیانی رهانید دست

جهانسوز مار از جهانجوی رست برآمد به سنگ گران سنگ خرد چو مار سیه یافت آن دستبرد فروغی پدید آمد از هر دو سنگ دل سنگ گشت از فروغ آزرنگ

نشد مار کشته ولیکن ز راز ازین طبع سنگ آتش آمد فراز هر آن کس که بر سنگ آهن زدی ازو روشنایی پدید آمدی جهاندار پیش جهان آفرین نیایش همی کرد و خواند آفرین که او را فروغی چنین هدیه داد همین آتش آنگاه قبله نهاد بگفتا فروغیست این ایزدی پرستید باید اگر بخردی شب آمد برافروخت آتش چو کوه همان شاه در گرد او با گروه یکی جشن کرد آن شب و باده خورد سده نام آن جشن فرخنده کرد ز هوشنگ ماند این سده یادگار بسی باد چون او ذکر شهریار کز آباد کردن جهان شاد کرد جهانی به نیکی ازو یاد کرد

تصحیح دکتر ابوالفضل خطیبی

«شاهنامه» داره بین قفسه کتاب خونه ام که پر شده بود از داستان هایی با تراژدی درام، جنایی و تخیلی جای می گیره!

### یادداشت چهارم:

ویولت بهم میگه: «باید سر این ماشین زمان بیشتر تمرکز کنیم!» ولی من دست از سر این کتاب هیجان انگیز بر نمی دارم. نه اینکه از مجموعه داستان های خانم رولینگ زده شده باشم! نه! فقط دارم به این نوع نوشتن علاقه پیدا می کنم. دیگه کمتر به انباری سر می زدم. اگر جایی هم متوجه نشم، میرم چند ساعتی پیش تهمنه خانم و ایشون برام توضیح میدن.

### یادداشت پنجم:

امروز حساسی سپتامبر رو بد شروع کردم. هر چی به خانم معلم اصرار کردم تا داستان پیدایش آتش و سده رو اجرا کنم؛ بهم گفت: نه! این ها خارجیه این فستیوال فرق داره! آخه چطور فیلم نامه ویلیام شکسپیر رو تمرین کنم وقتی که کل برنامه زندگیم خلاصه شده توی شاهنامه هیجان انگیز فردوسی؟! وقت ناهار، مادرم بهم گفت: «یک نمایشه و تو نباید اینقدر ناراحت بشی و خودت رو درگیر کنی!» ولی من راضی به این کار نبودم. هر وقت میخواستم برم و تمرین کنم، گرتی بودن یا نبودن! چشمم به شاهنامه روی میز می افتاد و سریع داستان سده رو میخواندم. از دیدگاه امروز، گرتی: امروز قراره مقصد ماشین زمانم رو تغییر بدم. قراره برم به شاهنامه! ویولت و خانواده اش برای تماشای فوتبال رفتند منجستر. یه دلم میگه کاش به ویولت خبر بدم و یه دلم میگه مگه قراره این واقعی باشه؟! آره! این که واقعی نیست! راستش، این یه اتفاقه که قرار بود دیزاین داخلش طرح هاروارد باشه! اما خب، من امتحان می کنم؛ شاید واقعیت داشت. آروم قدم برمی دارم و با یک نفس عمیق دکمه رو فشار میدم و از این در وارد می شم. حس می کنم جاذبه بهم غلبه نمی کنه و من دارم به یه جایی غیر از زمین کشیده میشم. اوه نه! و بالاخره اتمام سیاه چاله! اینجا بیابونه! تا حالا بیابونی به این جذابیت و جالبی ندیده بودم. البته بیابون بوماس رقتم، همونجسه که زمان ملاقات عمه ماتیلدا میریم اسپانیایا! پس از کمی گشت و گذار، متوجه ورود چند اسب و یک مار سیاه بزرگ میشم. بیشتر شبیه مار پیتون بود با این عظمتش! مار سیاهی که دودهای سیاه از بین دندون های تیز و بزرگش عبور می کردن و... صبر کن ببینم! این داستان...؟! این داستان «هوشنگ شاه و پیدایش آتشفشان» واقعا هیجان سر تا پامو فرا گرفته بودا نمی دونستم چطوری خوشحالی کنم! اما ترجیح دادم در سکوت شادی کنم تا این لحظات طلایی رو از دست ندن. انگار صحنه نبرد بود! هوشنگ شاه، سنگی برداشت و به طرف مار پرتاب کرد. مار به سرعت پامو... خب مار پا نداره! مار به سرعت فرار کرد و اون سنگ که چخماق باشه به یه سنگ چخماق دیگه برخورد کرد و این باعث ایجاد آتش شد! و این آتش به کمک بوته خشک کنار اونجا افزایش پیدا کرد. آدم هایی که تا حالا فقط آتش رو بین صاعقه های تو آسمون دیده بودن، حالا خودشون تونستن آتش درست کنن و قدرت کنترل اونو داشته باشن! منم یه سنگ چخماق همراهم آوردم که به تهمنه خانم نشون بدم. کاش می شد من رو می دیدن و از اون خوراکی های خوشمزه بهم تعارف می کردن؛ اما... چشم هامو که باز کردم، دیدم داخل اتاقک ایستادم، اوه حتما خیال بوده! اما این سنگ چخماق تو دستم چیکار می کنه!؟

### یادداشت دوم:

فعلا تحقیق تموم شده و داریم داخل انباری خونه مون ساخت و ساز می کنیم. واقعا فکر نمی کردم پدر و مادرم با ما همراهی کنند. حتی موقع کار چند بار خانواده ویولت برامون استیک آوردن! در این بین وقتی که آخر هفته ها من و ویولت کاری نداریم به خونه همسایه مون می ریم. تهمنه خانم اهل ایرانه و همیشه بهم میگه: «مثل گردآفرید هستی! قوی، شجاع و جسور!» من چندبار تونستم داستان این شخصیتی که تهمنه خانم میگن رو بخونم! آخه گردآفرید هم مثل هری پاتر برای رسیدن به هدفش جنگید! البته گردآفرید برای کشورش این کارها رو انجام می داد.

### یادداشت سوم:

تقریبا داره ساخت ماشین زمانمون به پایان میرسه و من همیشه موقع خواب، چند صفحه از اون کتابی که تهمنه خانم بهم داد رو میخونم. البته ترجمه شده و به نثر! دیگه

### مار بزرگ



زینب اسدی

تازه از خانه بیرون آمدیم. در بهمن ماه هستیم. هوا خیلی سرد است. داریم از سرما یخ میزیم. با هم دیگه روی یه سنگ بزرگ نشسته بودیم و گرم صحبت بودیم. یهو مار بزرگی رو دیدیم. همه داد زدیم، مارا! مارا! از ترس فرار کردیم. اما یکی از ما جلو موند. یه سنگ بزرگ دستش گرفت و به سوی مار پرتاب کرد. اون سنگ به یه سنگ دیگه برخورد کرد و چق صدا داد. یهو یه آتیش بزرگی به وجود اومد. همه در فکر بودن که این آتیش چطور به وجود اومده؟ حالا مردم به جواب سوالشون رسیدن که با به هم خوردن نوعی سنگ آتیش درست میشه. همه دور هم جمع شدن و این روز برای ما مردم یه روز به یاد ماندنی شد.

### اردو



نیکا موسوی

امروز روز ده بهمن است و قرار شد کلاس ما به اردوی خارج از شهر برود. ما همه ذوق داشتیم، چون امروز خانم معلم به همراه مدیر و ناظم و دوستانم قرار بود در بیرون از شهر یک آتش بزرگ روشن کنند و جشن سده رو برگزار کنیم. من که دیشب چند ساعتی در مورد جشن سده در اینترنت سرچ کرده بودم و اطلاعاتی داشتم و در کلاس شاهنامه خوانی معلم داستان هوشنگ رو برام تعریف کرده بود و می دانستم این روز چون انسان ها به آتش دست پیدا کردن رو جشن میگیرند. معلم شاهنامه خوانی برای ما گفته بود که هوشنگ از دور مار بزرگی را دید و با سنگ به مار زد ولی سنگ با سنگ های دیگه برخورد میکنه و چون گیاه خشکی اونجا بود آتش درست میشه. تا اون روز مردم شب های خیلی تاریکی داشتن و با چیزی نمیتونستن خودشون رو گرم کنند. واقعا که تصور کردنش هم سخت هست و اینجاست که باید به عمق مطلب برسیم و بفهمیم که چه روز مهمی است. اون روز من با تلاش زیاد چوب های خشک رو جمع کردم و کنار چوب های دوستانم گذاشتیم و آتش بزرگی روشن

## یادداشت دبیر صفحه



آزاده حسینی

مراسم با شکوه جشن سده، چهارشنبه دهم بهمن برای نخستین بار در استان گلستان، با حضور بیش از صد شاهنامه خوان و علاقه مند به فرهنگ ایرانی، در محوطه باغ کانون فرهنگی بازنشستگان آموزش و پرورش کردکوی برگزار گردید. در این مراسم با هم از شاهنامه فردوسی خواندیم و شنیدیم و در کنار آتش، با آش و چای و شیرینی، قدیمی ترین شادی ایرانی را گرامی داشتیم. در حضور آقای مکتبی و خانم قرآنی مسئولین روزنامه گلشن مهر، آزاده حسینی: دبیر صفحه کودک و نوجوان گلشن مهر، آقای دانیال منوچهری نماینده شورای شهر، دقایقی دل سپردیم به سخنان استاد غلامعلی قاری شاهنامه پژوه استان گلستان. با سپاس از راهنمایی های استاد عزیزم بانو پروانه اسماعیل زاده شاهنامه پژوه گرامی. و سپاس از خانم سیما اسحاقی و گروه همراه برای اجرای موسیقی. نام تحریریه صفحه کودک و نوجوان روزنامه گلشن مهر و خانواده هایشان در این صفحه بماند به یادگار تا یادمان بماند راه ادامه دارد: آتریسفا فغانی، مریم گشتاسبی، وینا روح افزایی، فرنیبا روح افزایی، فرنیک روح افزایی، فائزه یعقوبی، نازنین زهرا همتی، نیلا صفورا طیبی، سامینا سلطانی، سمیرا کمالی، حلما رسولی، الهه طیب، بهار جام خورشید، شیرین جام خورشید، آمنه جام خورشید، زهرا حسینقلی ارباب، ندا قائمی، حسین حسینقلی ارباب، زینب اسدی، فاطیما عقیلی، محدثه عرب، زهرا باقری، سارا عابدی، ماهان زندی، ملیحه ملاحی، بهناز یزدان پناه، ستاره گودزی، هستی کیا، فاطمه رضا نژاد، زهرا حسینی، زهرا رضا نژاد، فاطمه رجب نژاد، فاطمه سادات سیالندگی، فاطمه قاسمعلی، مائده قاسمعلی، امیرحسین قاسمعلی، آوینا کیانی، بهنیا کیانی، محمود زاهد، سمیه زاهد، ماتیسا حسینی، نرگس بیحی نژاد، آرنوش یوسفی، سمیرا زاهد، تانیا معتمد، زهرا گرشاسبی، دینا قربانی، طاهار قربانی، سارا حسینی، زهرا مازندارانی، سپیده حسینی، سپیده کیا، امیر علی کیا، پریسا کیا، آرین زنگی، سحر کیا، غزازه حسینی، سمانه کیا، یاسمن عقیلی، مژگان یوسفی، آرینکیا روح افزایی، آران روح افزایی، علی روح افزایی، فاطمه سادات موسوی، آرین خواجوی، نازنین خاتقلی، علیرضا خاتقلی، هانا زارع، مریم لطفی، آندریا کیا، آرمیتا لوند، ایراندخت ملاحی، رونیکا منوچهری، زهرا شاه دادی، هدیه دهقان، یگانه بلان آبادی، آیلین امیری، آیلین کیا، زهرا ریاحی، محمد طاهار علیزاده، ابوالفضل ایلات، مریم منصوری، فریبا زرگران، نازنین زهرا همتی نیلا. با سپاس از استادان گرامی و یاران انجمن فرهنگیان حافظ: حسینعلی رجب نژاد، محمد رستمی، عبدالحمید نجاتی، علی محمد مصلدق، علی عقیلی، فر، نعمت طیبی، سید رضا پارسایی. و سپاس از همه افرادی که به شکل های گوناگون در برگزاری جشن سده یاری رسانده اند. به امید دیدار در دیگر جشن های ایرانی.



سوگند خبلی

مادربزرگ عاشق بود.

او سرگرم هر کاری که میشد یاد شما را فراموش نمی کرد.

در حین خیاطی و سوزن نخ کردن، نام شما را به لحظه هایش گره میزد

هنگام پختن غذا.

شعله انتظار شما در دلش روشن بود و می جوشید حتی وقتی خانه اش پر از مهمان بود هم

دلش خالی از یاد شما نمیشد

هنگام تماشای تلوزیون،

اتصال اشتیاقش قطع نمیشد و باز هم شما را صدا می کرد

حتی موقع خوابیدن هم

نامتان را چون نوری بر سیاهی شب می آورد.

جمعه ها بر ایوان خانه می نشست به تماشا و با حسرتی از ته دل می گفت:

کاش این جمعه بیایی!

تمام هفته ی هر عمر را انتظار می کشید

در راه مسجد یا هنگام خواندن مداحی یا میان آیه و زیارت آل یاسین و عاشورا

که جای خود را دارد.

یاد شما در تمام لحظه هایش می درخشید.

درست مثل آخرین لبخندی که در خواب ابدی اش بر صورتش می درخشید.

و به گمانم آن لبخند آخر حرف ها داشت

چیزی شبیه رسیدن در آخرین جمعه در جهانی دیگر.

حالا ما در این جهانیم

حالا من دیگر کودکی نیستم که

از مخاطب جمله ی مادربزرگ چیزی نمی داند.

من نیز چون او در انتظارم

انتظار شما میان ما عاشقان ارثی ست

و تکرار میکنم ارث مادری خود را:

کاش این جمعه بیایی یا مهدی

الهم عجل ولیک الفرغ

## بیا



سیده زهرا علوی نژاد

قلیم شده پر از استرس

چگونه فرار باید کرد از این حس

فرار از اعتیاد به وجودت

یکهو به خود می آیی و می بینی عشق ربودت

قبل از تو نبودم همچنین

گرفته ای از من ایمان و دین

بیا و بشو برای من

دگر بی تو نمی توانم زن

بعد تو ادامه خواهم داد با بی حالی

قلیم بی تو از حس می شود خالی

بیا و خاموش کن آتش درون قلبم

بیا که بی تو بودن برانم هست سم

بیا که معناد شدم به نگاهت

همیشه خمارم ، خمار صدایت



## مادرم



نازنین زهرا خانقلی

مادرم دوست دارم به معنا واقعی دوست داشتن

بهترین دوست من هستی

بعد از خدا به تو اعتماد و تو را می پرستم

دوستت دارم چون تو زیباترین بانوی دنیایی

پناه و همراه منی

مادرمی و تاج سرمی

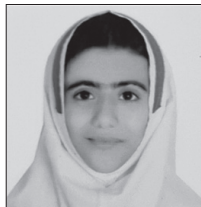
هر موقع زمین خوردم تو بلندم کردی

آنقدر دوستت دارم که نمی توانم وصف کنم

دوستت دارم بیشتر از چیزی که تصور میکنی!

## گون و نسیم

بر اساس شعر سفر بخیر از استاد شفیع کدکنی



یسری شهواری

در حالی که هوهو کنار به سوی درختان سبز

می رفتم تا از آنها برگ برای پوشش خود قرض

بگیرم، سرم به گیاهی برخورد، دور و برم را نگاه

کردم اما درختی را ندیدم و به گیاه نگاهی کردم

به او گفتم: «نام تو چیست؟» جواب داد: «گون

هستم». من که تقریبا یک هفته خانواده ام را

ندیده بودم به او پیشنهاد دادم: «چرا تنهایی؟»

بیا بروم مسافرت. چرا تو اینجا مانده ای؟ دلت

برای دوستانت یا خانواده تنگ نشده؟» گون با

ناراحتی پاسخ داد: «من که ملت هاست اینجا

تنها مانده ام. هر نسیمی هم مانند تو به من

پیشنهاد می دهد. خیلی دوست دارم بیایم اما

ریشه ام در خاک است و من اسیر این بیابان؛

اگر ریشه ام را ز خاک بیرون بیاوری من خشک

می شوم و می میرم. راستی کجا میروی؟»

جواب دادم: «هر کجا به غیر از اینجا که بیابان است!»

گون جواب داد: «سفرت به خیر و خوشی

و خداوند پشت و پناحت باشد. از این

بیابان وحشتناک که رفتی، سلام مرا به

باران و شکوفه ها و دوستانتم برسان!»

## دلکک غمگین



ویانا روح افزایی

در کشوری زیبا پر از شادی مردم های خندان

زندگی میکردند. دلیل خنده های آنها دلکک

خندان و مهربانی بود. دلکک کارهایی که می کرد

مردم را می خندان. دلکک عاشق تمام بچه بود.

روزی دلکک در حال سرگرم کردن مردم بود که

یک دفعه جادوگری خودش را به شکل یک

بچه کوچک در آورد. جادوگر داشت که سمت

پرنده میرفت تا خودش را بیاورد. دلکک سگی

به نام فلانق داشت. او چون میدانست که به این

زودی به بچه نمیرسد به سگش گفت تا بچه را

بگیرد. سگ دويد و دويد و بچه را گرفت. تمام

مردم دور بچه جمع شدند. ولی جادوگر بدجنس

گریه کنار به زبان بچه گانه گفت که سگ این

دلکک مرا گاز گرفت. خلاصه یک سال گذشت

و دلکک هم باخنده قهر بود. و غمگینی رو بغل

کرده بود از خانه اش بیرون نمی رفت. حتی برای

خریدن غذا. برای هر کسی هم زنگ میزد که

غذا سفارش بدهد؛ به او میگفتند: «ما به این

آدرس چیزی نمیاریم». برای همین سگش فندوق

میرفت غذا میلزدید و میبرد برای دلکک تا دلی

از عزا در بیاورد. دلکک هر شب وقت خواب،

ماجرای آن روز را خواب میدید و از خواب

می پرید و و میرفت به آزمایشگاهش ولی بازم

سرگرم نمی شد. روزی مردم شهر متوجه شدن

که از وقتی که دلکک نیست دیگه تو دل و روی

لب هیچ کسی لبخند نیست. حتی دیگر کسی

خوشحال نیست. راستی اون جادوگر که خودش

رو به شکل بچه در آورده بود، خانواده ای او را به

سرپرستی قبول کرده بودند. جادوگر نمی توانست

دیگر بدجنسی کند و کسی را اذیت کند. برای

همین برگشت به شکل بعدی اش و گفت که:

«تمام این اتفاق هایی که برای دلکک افتاد تقصیر

من بود. من اون بچه بودم من باعث شدم دلکک

افسرده بشه حالا لطفا دیگه منو ول کنید و برید

از دلکک معذرت خواهی کنین!» مردم اون شهر

همه جمع شدن تا بروند و از دلکک عذرخواهی

کنند. خلاصه گذشت دوباره آن شهر شد شهر

خنده ها و دیگر کسی در آن شهر غمگین نبود.

## استان با حرف «و»



نیلوفر خواجه

روز چهارشنبه ساعت چهار، سامیار و روژان که

به سن بیست سال رسیده بودند اجازه بیرون

رفتن داشتند. خواهر برادری می خواستند بروند

رامسر مسافرت. آنها در راه گمشدند و به

جنگل ترسناک رسیدند. آنها ترسیده بودند که

صلای شیر آمد و بعد ناگهان صلی دارکوب

آمد و مانند فیلم ها جنگل تاریک شد و باران

از آرامی به تند و یک دفعه باران با تگرگ آمد.

روژان خیلی گریه می کرد. آنها از ترس فرار

کردند. حتی ماشین خود را گم کردند. ماشین

آنها پرآید بود. آن شب تا صبح بیدار بودند. صبح

جنگلبان آنها را پیدا کرد و با هم به سمت اردوگاه

جنگلبانان رفتند. آنجا کمی غذا خوردند و آن

جنگلبانان مهربان آنها را به شهرشان برگرداند.

## آواز بر بال های شکسته

(بر اساس شعر آب نان آواز)



فاطمه دل دار

آرمیتیس دختر نه ساله ای که در دامانش مانند

دیگر کودکان فلسطینی جز آندوه و غم چیز

دیگری وجود نداشت. او پدرش را سال پیش

در بمباران از دست داده بود و با مادرش که

در بستر بیماری به سر می برد زندگی میکرد.

صبح یک روز آفتابی با لرزش صدای بمب از

خواب با تپش قلب شدید بیدار می شود پنجره

چوبی کهنه ای که گویا پرستویی خود را به

آن می کوبید باز می کند. آفتاب همچون هاله

ای درخشان بر فرش قرمز رنگشان می تابد.

آبی بر صورت خود می زند و به مادرش سلامی

گرم می کند. لبه تشک مادر زانو میزند و دستانش

را می فشارد و لبخندلی پر از امیدواری در حین نا

امیدی میزند و با بوسه ای بر گونه مادر صبح را

آغاز می کند. گویا برای این بود که مادر نفهمد در

وجود دختر آندوه جای همه چیز را گرفته است.

طبق هر روز تشرتی آب آورده و با تکه پارچه

ای صورت و دست های مادر را تمیز می کند.

تنها تکه نانی را که در خانه بود روی اجاق نفتی

حرارت می دهد تا کمی مزه اش از کهنگی در

بیاید و مانند نان های تازه شود. نان را با کمی آب

ولرم خمیس می کند و با شرمندگی برای مادرش

می برد تا بهتر بتواند میل کند. با وجود بالای

هشتاد درصد احتمال حمله اسرائیلی ها، از خانه

بیرون می رود و روانه خیابان ها می شود تا بتواند

فرزیه ها و گل های کاغذی رنگداری که درست

کرده بود بفروشد و بتواند برای شب مقداری نانی

بخرد. در همین هنگام که قدم از قدم برمی داشت؛

با صدای لطیف و زیبایش میگفت: «فرزیه دارم!

گل های کاغذی دارم!» چشمش به پسری می افتد

که آن طرف خیابان با لباس های ژولیده و خاکی

و ساز دهنی در دست ایستاده بود. او کلاهش را

جلو گذاشته بود و آواز برای مردم سر میداد آن

هم آوازی که نشان می داد که زندگی با خوردن

یک تکه نان در کنار عزیزان می تواند شیرینی اش

چند برابر شود یا سقف کوچکی بر سر و اجاقی

گرم می تواند انسان را به اوج خوشبختی برساند.

جلوتر می رود و می گوید: «چه صدای زیبایی

داری!» او نامش را پرسید و با قطره اشکی گفت:

«اما فایده زندگی کردن با تکه نان چیست؟»

من باید از صبح زود تا شب به خیابان بیایم

تا بتوانم نانی برای خود و مادر بیمارم به دست

بیاورم آن هم معلوم نیست آن روز بخت با من

یار باشد یا خیر. علی لبخندی پر از درد می زند

و نگاهی می اندازد و می گوید من پدر و مادرم

را در درگیری با متجاوزان از دست داده ام حتی

خانه ای ندارم که در آن شب را به صبح برسانم.

تنها آرزویم ماندن در کنار خانواده ام بود. دوباره

آرمیتیس میپرسد: «پس فایده این آوازی که نشان

زندگی همراه با شور و شادی است چیست؟»

این ها برای ما تنها تخیلی بیش نیست»

علی لب باز می کند و می گوید درست است

اما خواندن آواز می تواند اراده انسان را برای

ادامه حیات تقویت کند و اینکه خوشبختی

با تکه نانی بیشتر به چشم بیاید آواز می تواند

انسان را به روی ابرها ببرد و با باد همراهش

کند. آرمیتیس حالا فهمیده بود که علاوه

بر تکه نان و جرعه آبی برای نوشیدن آواز

نیز مایه حیات و غذای روح می تواند باشد.

## آرزوی آوا

مربوط به آب نان آواز



بهار جام خورشید

در یک روز گرم تابستانی، آوا به همراه مادرش به

کلاس آواز رفت. اولین روز بود که آوا به کلاس

آواز می رود. خیلی هیجان زده و خوش حال

بود. او صدای زیبایی ندارد، و هر وقت، شعری

با خود زمزمه می کند، دستانش می گویند: «چه

صدای بلی داری!» و او سکوت می کند و از آن

جمع دور می شود. وقتی که به کلاس رسیدند

با سلام وارد کلاس شد. و اول استادش گفت:

«خترم خود را معرفی کن!» او با خوشحالی

گفت: «آوا هستم». استادش آبی نوشید و گفت:

«چه اسم زیبایی داری! شعر بلدی بخوانی؟!»

آوا با عجله گفت: «آره براتون بخونم!»

استادش آبی نوشید و گفت: «بخوان دخترم!»

آوا با هیجان شعری از حافظ خواند: «دوش

در حلقه ی، ما قصه گیسوی تو بود/ تا

دل شب سخن از سلسله موی تو بود.»

استادش دستی به سببش کشید و گفت:

«دخترم می دونی عیب تو چیه؟! عیب تو

اینکه صدایت را عوض می کنی و باید زیاد

تمرین کنی!» آوا به حرف های استادش فکر

کرد، و با خودش گفت: «راست می گه من

صدایم را عوض می کنم». او یک ماه تمام

فقط تمرین کرد و صدایش خیلی خیلی

زیبا شد و چند تا اجرا رفت و بهترین آواز

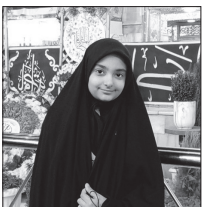
خوان محل زندگی اش شد و آرزوی خود

رسید و تمام دوستانش، از حرف هایی که

زده بودند، پشیمان شدند و از آوا عذرخواهی

کردند و آنها هم به کلاس آواز رفتند.

## حوض آبی



سارا عابدی فر

در حوضی من و برادرم، ماهی ها و خانواده

هایشان بازی میکنند. من و برادرم در روزهای

تابستان هر ظهر پاهایمان را در آب خنک

حوض می گذاریم و ماهی ها پاهایمان را قلقلک

میدهند. روزی پدر وقتی از سرکار به خانه می

آید یک هندوانه ای در دست دارد و هندوانه را

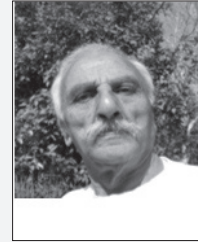
پرتاب میکند در ح







## قائمی را دریابیم



کاظم طلیعی

کریم قائمی را همه‌ی اهل قلم گرگان می‌شناسند. مردی سخت‌کوش، پرتلاش و خسته‌گی‌ناپذیر که یک‌تنه و با عشق و اراده‌ای کم‌نظیر دهه‌ها از عمر خود را صرف ثبت و حفظ فرهنگ بومی این دیار کرد. او سنت‌ها، ضرب‌المثل‌ها، لغات، آداب و رسوم، و حتی زبان‌های رمزی گرگان را از خطر فراموشی نجات داد. کاری که شاید از عهده‌ی یک گروه پژوهشی نیز بر نمی‌آمد، اما او یک‌تنه و بی‌هیچ چشم‌داشتی به انجام رساند. کاری بسیار بزرگ که بر سر این شوق و دل‌بستگی جسم و جان و سلامتی‌اش را گذاشت. اگر از انصاف دور نیفتیم باید گفت که کریم به دفعات در نشست‌های گوناگون مورد تقدیر قرار گرفته است. حاضرین برایش دست زدند و تشویق‌اش کردند، اما این دست‌زدن‌ها و تشویق‌ها و دادن لوح تقدیر و اهدای چند جلد کتاب و... و... چاره‌ای برای مشکلات رنج‌آور امروز او نیست. کریم امروز بیمار و رنجور در انزوای خانه درد می‌کشد. انواع بیماری‌ها از جمله نارسایی کلیه و ضعف مفرط جسمی و... تاب و توانش را بریده است. امروز باید

کریم را دریابیم تا برای ما و برای شهر ما بماند. چند نفر از جماعتی که برایش دست می‌زدند، امروز خبری از او می‌گیرند؟ کدام‌یک از اداراتی که واژه‌های فرهنگ و هنر را به دنبال نام خود یدک می‌کشند سراغی از او گرفته‌اند؟ کاری از این فرهنگی‌تر که نشانی از یک خادم واقعی فرهنگ در دوران عسرت و رنج و بیماری بگیریم و به درد دلش گوش کنیم و گوشه‌ای از بار گران‌ش را به دوش کشیم؟ کمک به کریم قائمی، کمک به یک فرد نیست؛ ادای دینی است به فرهنگ این شهر، به میراثی که او برای ما حفظ کرده است. اگر امروز همراه و پشتیبان او باشیم، نشان داده‌ایم که فرهنگ‌دوستی برای ما فراتر از شعار است. همه می‌دانیم که امروز هزینه‌های پزشکی، کمرشکن و فراتر از تاب و توان و طاقت یک کارمند بازنشسته است. آیا مراکز و مراکز ورزشی، مراکز فرهنگی، حوزه‌ی هنری و... و... نباید همتی به‌خرج دهند و به کمک هم باری از دوش این خانواده‌ی محترم بردارند؟ آیا فقط به وقت

## نشانه‌های آزار جنسی در کودکان؛

# آنچه والدین باید بدانند



کودک آزارها همه کودکان نزدیک خود را هدف قرار می‌دهند. سوءاستفاده‌کنندگان معمولاً کودکان را با برنامه‌ریزی یا سوءاستفاده از موقعیت‌هایی که تسلط بیشتری دارند، انتخاب می‌کنند. آن‌ها اغلب با برنامه‌ریزی، جلب اعتماد یا سوءاستفاده از موقعیت، کودکانی را که آسیب‌پذیرترند هدف قرار می‌دهند. صرف حضور کودک در نزدیکی این افراد به معنای قربانی شدن او نیست.

### کودکان همیشه آزار را گزارش می‌دهند

ترس، شرم یا حتی تهدیدهای سوءاستفاده‌کننده؛ این عوامل باعث می‌شوند بسیاری از کودکان سکوت کنند و آزار را افشا نکنند، حتی اگر برای آن‌ها بسیار آسیب‌زا باشد.

### فقط دختران قربانی می‌شوند

بر اساس آمار جهانی، حدود ۱۹.۷ درصد از زنان و ۷.۹ درصد از مردان گزارش داده‌اند که در دوران کودکی مورد سوءاستفاده جنسی قرار گرفته‌اند. این آمار نشان می‌دهد که اگرچه دختران بیشتر در معرض سوءاستفاده جنسی قرار دارند، پسران نیز قربانی این نوع آزارها می‌شوند. با این حال، به دلیل گزارش‌دهی کمتر، میزان واقعی سوءاستفاده جنسی از پسران ممکن است بیشتر از آمارهای موجود باشد.

### سوءاستفاده جنسی همیشه شواهد فیزیکی دارد

سوءاستفاده جنسی همیشه با آثار یا آسیب‌های فیزیکی آشکار همراه نیست. بسیاری از موارد سوءاستفاده می‌توانند بدون هیچ نشانه‌ی ظاهری رخ دهند، به ویژه اگر آزار جنسی به صورت روانی، کلامی یا لمس‌های غیرخشونت‌آمیز باشد. عدم وجود شواهد فیزیکی می‌تواند به این معنا باشد که سوءاستفاده‌کننده روش‌هایی به کار برده که نشانه‌های آشکار باقی نگذارد یا آسیب‌های ایجادشده داخلی باشند و قابل مشاهده نباشند. علاوه بر این، برخی کودکان ممکن است برای افشای جزئیات سوءاستفاده مردد باشند، و نبود شواهد فیزیکی باعث می‌شود که دیگران حرف آن‌ها را کمتر جدی بگیرند.

### خطر اصلی از سوی غریبه‌هاست

در ۸۵ درصد از موارد گزارش شده، سوءاستفاده‌کننده فردی است که کودک او را می‌شناسد.

### سوءاستفاده جنسی کودکان یک مشکل فرهنگی یا اجتماعی است

سوءاستفاده جنسی از کودکان محدود به فرهنگ، جامعه، یا طبقه خاصی نیست و در تمامی جوامع با سطوح مختلف اقتصادی، جغرافیایی، نژادی و طبقاتی رخ می‌دهد.

مقاربتی مانند بوی نامطبوع - مقاومت در برابر لباس‌های مناسب (حمام، رختخواب، توالت، تغییر پوشک) - هرگونه نشانه‌ای که نشان‌دهنده آسیب‌های فیزیکی به ناحیه تناسلی یا مقعدی باشد - شرکت در بازی‌های جنسی مداوم با دوستان، اسباب‌بازی‌ها یا حیوانات خانگی - پرسیدن تعداد غیرعادی از سوالات در مورد جنسیت انسان

### باورهای غلط درباره سوءاستفاده جنسی از کودکان

قبول اجتماعی افسانه‌ها و باورهای غلط در بیشتر مواقع باعث سکوت قربانیان و انکار عمومی ماهیت واقعی این فاجعه می‌شود. اطلاعات دقیق برای مقابله و پیشگیری از سوءاستفاده از کودک بسیار مهم است.

### افراد عادی نمی‌توانند کودک آزار باشند

یکی از خطرناک‌ترین تصورات این است که فردی که به نظر طبیعی می‌آید و به‌طور معمول رفتار می‌کند، نمی‌تواند کودک آزار باشد. سوءاستفاده‌کنندگان جنسی از اهمیت تصویر عمومی خود آگاه‌اند و می‌توانند رفتارهای خود را از دوستان، همسایگان، همکاران و حتی اعضای خانواده پنهان کنند.

### فقط مردان مرتکب سوءاستفاده جنسی می‌شوند

اگرچه بیشتر موارد گزارش‌شده سوءاستفاده جنسی شامل مردان است، اما زنان نیز ممکن است مرتکب آزار جنسی شوند. گزارش‌ها نشان می‌دهد که موارد مربوط به زنان سوءاستفاده‌کننده در حال افزایش است و این افراد هم در آزار کودکان دختر و هم پسر دخالت داشته‌اند.

می‌کند - سوالاتی مانند «آیا باید رازها منو به کسی نگیم» می‌پرسد - بی‌دلیل عصبانی یا پرخاشگر است - می‌گوید که سرش یا شکمش درد می‌کند و هیچ علت جسمی وجود ندارد - کابوس‌ها شروع می‌شود - وابسته‌تر می‌شود

### تغییرات در رفتار

علاقه‌ای به بازی ندارد یا از مکان‌ها یا افراد خاصی دوری می‌کند - رفتار جنسی مضر نشان می‌دهد - مشکلاتی در خوابیدن دارد - بیشتر یا کمتر از معمول می‌خورد و وزن کم یا اضافه می‌کند - در مدرسه عملکرد خوبی ندارد - غیبت‌های بیش از حد در مدرسه و نداشتن تمرکز - از مراقبت‌های شخصی و بهداشت خود، خودداری می‌کند - نشان دادن رفتارهایی که در سنین قبلی داشته، مانند مکیدن انگشت، شب‌اداری، ترس از تاریکی یا غریبه‌ها - شنیدن توضیحات غیرقانع‌کننده کودک در مورد آسیب‌های جسمی‌اش.

### نشانه‌های جسمی

داشتن تورم یا قرمزی در ناحیه تناسلی - درد هنگام رفتن به دستشویی - در راه رفتن یا نشستن مشکل دارد - کبودی در قسمت‌های نرم بدن مانند باسن یا ران‌ها - علائم عفونت ادراری مانند سوزش هنگام رفتن به دستشویی - علائم بیماری‌های مقاربتی مانند ترشحات از آلت تناسلی یا واژن

### رفتارهای جنسی غیرعادی

گذاشتن سرخ‌هایی که به نظر می‌رسد عمداً دعوت به بحث در مورد مسائل جنسی باشد - شکایت از درد هنگام استفاده از توالت یا نشان دادن علائم بیماری‌های

هر بار که خبری از تجاوز به کودک منتشر می‌گردد، انگار قلب انسان فشرده می‌شود و غم روی دوش‌مان سنگینی می‌کند. متأسفانه، آمار این جنایت دلخراش کم هم نیست؛ این مسئله زمانی نگران‌کننده‌تر می‌شود که اشکال غیرفیزیکی خشونت، مانند سوءاستفاده‌های کلامی یا آنلاین به آن اضافه می‌شود. به گزارش ایرنا زندگی، متأسفانه آمار جنایت دلخراش تجاوز به کودک کم نیست؛ بیش از ۳۷۰ میلیون دختر و ۲۴۰ میلیون پسر در سراسر جهان در دوران کودکی یا نوجوانی قربانی تجاوز جنسی شده‌اند. این آمار زمانی نگران‌کننده‌تر می‌شود که اشکال غیرفیزیکی خشونت، مانند سوءاستفاده‌های کلامی یا آنلاین، به آن اضافه می‌شود و تعداد قربانیان به میلیاردها نفر برسد. این ارقام تلخ به ما یادآوری می‌کنند که سوءاستفاده جنسی از کودکان یک اپیدمی جهانی است. اما این آسیب‌های جسمی و روانی همیشه آشکار نیستند. بسیاری از والدین نمی‌دانند چطور نشانه‌های این سوءاستفاده جنسی را در فرزندان خود تشخیص دهند یا در صورت مشاهده علائم، چه اقداماتی انجام دهند. این گزارش به بررسی نشانه‌ها، روش‌های پیشگیری و حمایت از کودکان قربانی می‌پردازد تا والدین بتوانند نقش موثرتری در حفاظت از فرزندان خود ایفا کنند. در این گزارش به این موضوع می‌پردازیم.

### آنچه والدین باید بدانند

کودکان واکنش‌های متفاوتی به آزار جنسی نشان می‌دهند که تحت تأثیر عواملی مانند سن، شدت، تکرار و هویت آزارگر قرار دارد. بسیاری از کودکان ممکن است آزار را افشا نکنند، اما نشانه‌های جسمی یا تغییرات رفتاری و احساسی می‌تواند برای شما هشدار باشد. این نشانه‌ها همیشه به معنای وقوع آزار نیستند و ممکن است دلایل دیگری داشته باشند، اما نباید احتمال آزار جنسی را نادیده گرفت. به‌غیر از خود اعتماد کنید و به یاد داشته باشید که آزارگران اغلب از میان افرادی هستند که کودک و خانواده به آن‌ها اعتماد دارند.

### نشانه‌های آزار جنسی در کودکان ۰-۱۱ سال

#### تغییرات در احساسات

ترسیده، مضطرب، افسرده، گوشه‌گیر یا پرخاشگر به نظر می‌رسند - ساکت‌تر یا گوشه‌گیرتر از معمول است - بدون دلیل واضحی گریه می‌کند - ترس از بازگشت به خانه یا رفتن به مکان‌هایی با شخص آزارگر - شروع به شب‌اداری یا کشیف کردن شلوار